

آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۹

۲۱۹

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

سیدعلی میرافضلی | والتر برونو هنینگ / سید احمد رضا قائم مقامی | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
حبیب الرحمن شروانی / شیوا امیرهدایی | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | کمال الدین دعایی | میلاد بیگدلو
حیدر عیوضی | علی راد | اصغر ارشاد سربابی | منوچهر فروزنده فرد | محمّد جوکار باصری | مهدی مهریزی
محمد هادی توکلی | رضا استادی | سیدعلی کاشفی خوانساری | سعید مهدوی فر | جویا جهاًنبخش
فرهاد طاهری | رسول جعفریان

فهرست شاعران سفینه رباعیات استانبول: دستنویس شماره ۱۲۰۳ کتابخانه دانشگاه استانبول
| دو خطا در روایات عربی در باب مانویّت | خراسانیات (۹): تحفه ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن
عباد در نیشابور قرن چهارم قمری | چاپ نوشت (۲۴): رسانه چاپ و بازآرایی منازعات فرقه ای در شبه قاره
هند؛ مطالعه موردی تحفه اثناعشریه، صوارم الالهیات و حسام الإسلام | مطالعات زبان و ادب فارسی در
شبه قاره (۳): قصاید مطهر | یادداشت های لغوی و ادبی (۸): درباره «ایش» و «ایش شاء الله» و «ایشالا»
| اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر: مقاله نهم، اشعار نویافته از ابراهیم
پورداوود | مجموعه های ویراسته در نشر دانشگاهی: راهنمای جامع گونه ها | قطعه ای از تاریخ ترجمه
عربی به فارسی | آینه های شکسته (۱۴): «مُسَوِّمین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه های قرآن؛ رویکرد ریشه
شناختی در برابر داستان سرایی | طومار (۱۶): نردبان شکسته (۹): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ
نقد و بررسی کتاب مجمع النوادر (کتابی از میراث داستانی شبه قاره) | درباره «نگاهی به واژگان لغت
فرس» | نقدی بر مقاله «امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم» | نگاهی تحلیلی به
کتاب موسوعة المباحث الاصولية و ادلتها | بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»
| کتابشناسی جامع آیت الله رضا استادی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ حسرت تمدنی و ایدئولوژی احیا در یک منظومه فارسی شبه قاره

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.37, No.3

Aug - Sep 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

219

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



درگذشتگان

ناصرالدین انصاری

آیت الله العظمی فیاض

حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد اسحاق فیاض یکی از مراجع تقلید نجف اشرف بود. آن مرحوم سال ۱۳۰۹ ش مسی (۱۹۳۰ م/ ۱۳۴۹ ق) در روستای شیرداغ از توابع مالستان زاده شد. در نوجوانی به اوتغول جاغوری رفت و سالیانی چند از محضر آیت الله شیخ قربانعلی وحیدی بهره‌مند شد. در هفده سالگی (۱۳۲۶ ش) به مشهد مقدس آمد و حاشیه و مطول را نزد استاد حاج شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری تکمیل کرد. سال ۱۳۲۸ به نجف اشرف رفت و قوانین را نزد آیت الله میرزا کاظم تبریزی، شرح لمعه را نزد آیت الله شهید مدنی، مطول را نزد استاد مدرس افغانی و سطوح عالی و سطوح عالی و آیات شیخ مجتبی لنکرانی و میرزا علی فلسفی آموخت و هم‌زمان به تدریس ادبیات و سطوح عالی و با تحصیل نزد آیات عظام آقای حکیم و میرزا باقر زنجانی و به‌ویژه آیت الله العظمی خویی پرداخت و با نشان دادن نبوغ و استعداد خویش، مورد توجه فراوان آیت الله خویی قرار گرفت و افزون بر اینکه تقریرات درس ایشان را نگاشت، عضو بعثه حج و هیئت استفتای معظم له و هیئت تدوین معجم الرجال گردید. سپس با انتشار کتاب محاضرات نامش در اوساط علمی طنین افکن شد.

صدیق گرامی جناب آقای عبدالمجید ناصری می‌نویسد:

«تاریخ تشیع در افغانستان نظیر او را سراغ ندارد. بدون تردید وی افقه فقه‌های کشور و از اکابر مراجع تقلید شیعیان جهان است. استعداد درخشان، حافظه نیرومند، حضور ذهن، علاقه سرشار، سعی پیگیر، پرکاری، دقت ورزی و سرعت انتقال وی از اوان طلبگی مشهور و زبانزد دوستان و آشنایان بود. ویژگی‌های یادشده وی موجب شد که پس از مدت نه‌چندان طولانی مورد عنایت آن استاد گران‌مایه قرار گرفته و به آینده روشن و درخشان وی امیدوار شود؛ از این رو از میان صدها شاگرد فاضل خویش، درک و قلم و روش او را برگزید و اجازه چاپ نوشته‌های او را - المحاضرات - داد. او وارث به حق مرحوم استادش در صحنه تدریس فقه و اصول و تألیف و نشر علوم حوزوی بوده و دارای نوآوری‌ها و ابتکارات ارزنده‌ای است که پرداختن و ارزیابی دقیق آنها نیازمند مقالاتی جداگانه است» (عبدالمجید ناصری، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۲، ص ۵۰۵).

پس از درگذشت آیت الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری (م ۱۴۱۴ ق)، رساله عملیه‌اش منتشر شد و در جایگاه یکی از مراجع تقلید تشیع مطرح گردید و در زمان فشارها و تضییقات و خفقتان

رژیم بعث در کنار آیت الله العظمی سیستانی، نقش بارزی در صیانت و حفاظت حوزه نجف ایفا کرد. پس از سقوط صدام، نظرات معظم له مورد توجه سیاستمداران عراق قرار گرفت و گام‌های بلندی در جهت حقوق مردم و پیشرفت کشور برداشت. زهد و ساده‌زیستی و تواضع مثال‌زدنی و مهربانی و حوصله‌مندی و خدمات وی به مردم عراق و افغانستان از یادها نخواهد رفت. درب خانه‌اش هر روز به روی مردم باز بود و با ملاطفت همگان را پذیرا بود. وی فقیهی با نظرات و فتاوی جدید بود؛ از جمله سن بلوغ دختران را ۱۳ سال می‌دانست و برای زنان در صورت صلاحیت و رعایت مقام عفت، عهده‌داری مناصب قضاوت و مرجعیت را قائل بود.

صدیق گرامی جناب آقای ابوالفضل فاتح می‌نویسد:

«در جوامع شیعی، مراجع تقلید از مهم‌ترین ارکان عقل جمعی محسوب می‌شوند. آنان صرفاً پاسخ‌گوی مسائل شرعی نیستند، بلکه با نوع نگاه خود به انسان، جامعه، قدرت، دین و جهان، سهم و مسئولیت بزرگی در ساماندهی افق‌های فکری جامعه دارند. حضرت آیت الله فیاض را باید در همین دایره و جایگاه فهم نمود. او تنها یک مرجع تقلید یا استاد برجسته فقه و اصول نبود؛ ایشان را باید بخشی از عقلانیت معاصر تشیع دانست و در این ترازو سنجید؛ ترازویی که در آن وزن اشخاص نه با قدرت سیاسی، بلکه با سهم آنان در شکل‌دهی به افق‌های فکری و اخلاقی جامعه سنجیده می‌شود.

از دل روستایی دورافتاده در غزنی افغانستان و از خانواده‌ای ساده و کشاورز و اهل ایمان برخاست. نوجوانی که برای تحصیل علوم دینی راه هجرت در پیش گرفت، غربت را تجربه کرد، به مشهد و سپس نجف اشرف رسید، در محضر آیت الله العظمی خویی پرورش یافت و سرانجام به یکی از مراجع بزرگ نجف اشرف تبدیل شد. مشقات فقر و غربت، تجربه زیستن در میان سه ملت افغانستان، ایران و عراق، تحمل دشواری‌های دوران صدام و سپس اشغال و نهایتاً حاکمیت شیعی عراق و بازگشت عظمت حوزه نجف، از او شخصیتی برجسته و مرجعی متفاوت ساخته بود که تجربه زیسته‌اش به اندازه درس و بحثش آموزنده بود.

در چند نوبت که توفیق دیدار و گفتگو با ایشان حاصل شد، هر بار که وارد دفتر ساده و بی‌پیرایه ایشان در نجف شدم، این پیوستگی میان گذشته و سبک و سلوک زندگی اجتماعی بیشتر احساس می‌شد. نه نشانی از نمایش قدرت و نه آن حجاب مرئی و نامرئی که معمولاً میان صاحبان منزلت و مردم شکل می‌گیرد.

با رجوع به مجموعه گفتگوها، سهم آیت الله فیاض در عقل معاصر تشیع را می‌توان در تأکید بر سه محور بنیادین تبیین کرد: استقلال، اعتدال و کرامت انسانی.

آیت الله فیاض استقلال را صرفاً یک ضرورت اداری یا مالی نمی دانست، بلکه بخشی از فلسفه معرفتی اجتهاد و ضامن اعتماد مردم می دید. تا جایی که می گفت: «علمای ما شهادت را قبول می کنند، اما کمک دولت را قبول نمی کنند». او هشدار می داد: «اگر استقلال حوزه در خطر افتاد، امکان دارد در نهایت الازهری دیگر شود». این جمله بیش از آنکه یک داوری تاریخی باشد، دفاع از یکی از مهم ترین بن مایه های عقل جمعی تشیع است.

آیت الله فیاض تشیع را مکتب اعتدال معرفی می کرد. حوزه نجف را حوزه ای می دانست که «در این حوزه افراط و تفریط و افکار منحرفه و شاذ و افراطی جایگاهی ندارد». چنان که «تکفیر در حوزه نجف نیست» و «هیچ عالم شیعی نیست که فتوا به کفر اهل سنت داده باشد». رسالت مرجعیت را نیز حفظ همین اعتدال تعریف می کرد. در روزگاری که بخش هایی از جهان اسلام در گرداب خشونت های فرقه ای و اندیشه های تکفیری گرفتار آمد، آیت الله فیاض یکی از صدهای آرام اما استوار سنت اعتدالی نجف باقی ماند.

۴۱۱

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

از دیگر نقاط مشارکت آیت الله فیاض در عقل معاصر تشیع را باید در نگاه او به انسان جستجو کرد. در نگاه ایشان نوعی انسان شناسی اخلاقی نهفته بود که پیش از هر هویت دیگری، بر کرامت ذاتی انسان تأکید می کرد.

آیت الله فیاض معتقد بود زن و مرد در کرامت انسانی تفاوتی ندارند و تصریح داشت که زنان می توانند با حفظ کرامت و موازین شرعی، مسئولیت های مهم اجتماعی را بر عهده بگیرند. حتی درباره قضاوت، ریاست جمهوری و مرجعیت زنان نیز هیچ منع عقلانی نمی دید. هنگامی که درباره این موضوع از ایشان پرسیده شد، پاسخ داد: «زن مگر بشر نیست؟! شاید کمتر جمله ای بتواند به این اندازه کوتاه، مبنای یک نگاه فقهی و اجتماعی را آشکار کند.

امروز که آن فقیه وارسته در جوار مولایش امیرالمؤمنین (ع) آرام گرفته است، شاید بتوان گفت همان زیست میان فقر و جنگ و مهاجرت و استقرار، میان اقلیت و اکثریت شیعی و تجربه سه جامعه افغانستان، ایران و عراق، در طول آموزه های کتاب و سنت، حساسیت او را نسبت به استقلال، اعتدال و کرامت انسانی فزونی بخشید.

کارنامه ایشان نشان می دهد، اگر سه گانه «استقلال، اعتدال و کرامت» را سه مؤلفه مهم عقل جمعی تشیع بدانیم، بی تردید حضرت آیت الله فیاض را باید از حاملان و منادیان برجسته این سه میراث دانست.

اینک مرجعیت آیت الله فیاض به پایان رسیده است، اما سلوک او، اندیشه او و پرسش‌هایی که پیش روی عقل جمعی تشیع نهاده است، همچنان زنده خواهد ماند».

به یاد می‌آورم در سال ۱۳۸۵ عازم نجف بودم و برای خدا حافظی نزد مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رسیدم. ایشان فرمودند اگر آیت الله فیاض را دیدید، سلام بلند و گرم مرا خدمتشان ابلاغ کنید؛ ایشان از شخصیت‌هایی است که اگر برود، دیگر مثل ایشان را نخواهیم دید و فقط در تاریخ اسمی از ایشان خواهد بود. گفتم: آقا، مگر با ایشان مراوده و مباحثه‌ای داشته‌اید؟ فرمودند: خیر، ولی این مطلب از کتاب محاضرات ایشان برمی‌آید؛ کسی که چنین کتابی را با این متن و مطالب در آن سن بنویسد، در مرتبه والای علم قرار داشته است.

این مطلب را در نجف به آیت الله فیاض گفتم، تشکر کردند و فرمودند: «امروز آیت الله فاضل، عزت و عظمت تشیع و حوزه علمیه قم هستند».

آثار (چاپی‌اش) عبارت‌اند از: ۱. تعالیک مبسوطه علی العروة الوثقی (۱۵ ج)؛ ۲. المباحث الاصولیة (۱۴ ج)؛ ۳. المحاضرات فی اصول الفقه (۵ ج، تقریرات درس اصول (مباحث الفاظ) آیت الله خویی)؛ ۴. منهاج الصالحین (۳ ج)؛ ۵. توضیح المسائل؛ ۶. مناسک الحج؛ ۷. الاراضی؛ ۸. احکام البنوک؛ ۹. النظرة الخاطفة فی الاجتهاد؛ ۱۰. موقع المرأة فی النظام السیاسی الاسلامی؛ ۱۱. المسائل المستحدثة؛ ۱۲. المسائل الطبیة؛ ۱۳. الانموذج فی منهج الحكومة الإسلامية؛ ۱۴. بیانات و توجیهات؛ ۱۵. مائة سؤال وسؤال حول الكتابة والكتاب والمکتبات؛ ۱۶. المختصر فی احکام المعاملات؛ ۱۷. الرضاع؛ ۱۸. المختصر فی حیاة السید الخوئی.

درباره ایشان شماره ۲۷ مجله «المرشد» به اهتمام حسین الفاضلی انتشار یافته است.

آن فقیه بزرگ سحرگاه روز پنج‌شنبه ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۴۴۷ قمری (۱۴ خرداد ۱۴۰۵ ش) در ۹۶ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه در کاظمین و کربلا و نجف اشرف و پس از نماز آیت الله سید محمد تقی حکیم در خانه خود به خاک خفت. در پی درگذشت ایشان سه روز عزای عمومی در عراق اعلام شد و پیام‌های تسلیت فراوان از سوی مراجع تقلید و مقامات سیاسی و مذهبی ایران و عراق صادر گردید. آیت الله العظمی سیستانی در پیام تسلیت خویش نگاشت:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

تلقت ببالغ الأسف نبأ رحيل أخى الصفى المرجع الدينى آية الله الشيخ
محمد اسحاق الفياض (رضوان الله عليه). لقد كان الراحل الكبير من الأعلام

البارزین فی الحوزة العلمية فی النجف الاشرف فی العقود الأخيرة، و تميز بجهوده الخالصة فی خدمة العلم و أهله تالیفا و تدریسا و غیر ذلك، و من هنا فإن الخسارة بفقدته فادحة، و الفراغ الذی تركه واسع يصعب ملؤه إلا بلطف الله تعالی، و عنايته. و اننی إذ اعزّی فی هذا المصائب الجلل ولی الله الاعظم (ارواحنا فداء) و الحوزات العلمية و أسرة الفقید السعید و المؤمنین عامة اسأل الله العلی القدير أن یرفع درجته فی الجنان و يحشره مع اولیائه محمّد و آله الطیبین الطاهرین و ان یلهم أهله و محبيه الصبر و السلوان. ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم.

علی الحسینی السیستانی

۱۸ ذی الحجة ۱۴۴۷ هـ

آیت الله کاظمی اردبیلی

۴۱۳

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

آیت الله آقای حاج شیخ علی کاظمی اردبیلی از عالمان و ائمه جماعات تهران بود. آن فقید سعید سال ۱۳۱۴ شمسی در اردبیل زاده شد و در نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. نخست در اردبیل ادبیات را آموخت و سپس سال ۱۳۳۰ به قم آمد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات مجاهدی تبریزی، سلطانی طباطبایی، مرعشی نجفی، تفسیر را نزد آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و فلسفه را هم نزد علامه طباطبایی آموخت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام آقای بروجردی، امام خمینی و شریعتمداری حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد. سال ۱۳۴۰ به زادگاهش بازگشت و به تبلیغ دین و اقامه جماعت و تدریس و مدیریت دبستان و دبیرستان جعفری اسلامی و احداث کارگاه قالی بافی و دامداری همّت گماشت. سال ۱۳۴۵ به تهران آمد و به تبلیغ و تألیف و اقامه جماعت (در مسجد حاج مجید، خیابان هلال احمر) و تشکیل مجالس دینی و تفسیر قرآن و کسب حلال (نماینده و فروش لوازم خانگی) و رسیدگی به امور نیازمندان پرداخت و از دریافت هرگونه وجه برای خدمات دینی اش امتناع داشت.

مرحوم استاد حسن احمدی گیوی می نویسد:

«بنده باروحنیان فراوانی آشنایی و دوستی داشته‌ام؛ ولی بسیار کم دیده یا شنیده‌ام که یک نفر هم روحانی باشد، هم سواد کافی داشته باشد، هم وظایف روحانیت را به

خاطر خدا و بندگان خدا به وجه احسن انجام بدهد، هم شاعر و اهل ذوق باشد، هم کاسب!! که از دسترنج خویش نان بخورد. ایشان روحانی و شاعر دردآشنایی هستند که صمیمانه به یاری دردمندان و دل‌خستگان می‌شتابد».

آثار (چاپی‌اش) عبارت‌اند از: ۱. دیوان کاظمی؛ ۲. تخمیس غزلیات حافظ؛ ۳. حیدر بابا جواب‌لاری (پاسخ به حیدربابای شهریار).

آن مرحوم روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ (۲۴ ذی‌عده الحرام ۱۴۴۷ ق) در ۹۱ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در روز پنج‌شنبه ۲۴ اردیبهشت پس از تشییع و نماز آیت‌الله سید عیسی موسوی هشتروندی در قبرستان بهشت زهرا به خاک خفت.

آیت‌الله ظهیری

آیت‌الله حاج شیخ عباس ظهیری از فضلاء حوزه علمیه قم بود. وی سال ۱۳۳۹ ش مسیدر روستای فارغان از توابع اصفهان زاده شد، سال ۱۳۶۱ به قم آمد و ادبیات را نزد استاد مدرس افغانی، شرح لمعه را نزد آیات وجدانی فخر و شیخ علی پناه اشتهازدی، سطوح عالیّه را نزد حضرات آیات پایانی، اعتمادی و ستوده، متون فلسفی را از حضرات آیات انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی و جوادی آملی و دروس خارج را نزد آیات عظام منتظری، بهجت، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و سید حسین شمس‌آموخت و از مستشکلین معروف دروس استادان خویش بود. او هم‌زمان به تدریس و تألیف و تبلیغ دین و پاسخ‌گویی به استفتائات در دفتر و بعثه حج مقام معظم رهبری اشتغال داشت و بر زبان‌های عبری و عربی مسلط بود؛ حتی برخی از متون کتاب‌های یهود را از حفظ داشت و تا واپسین روزهای زندگی و با وجود بیماری‌اش، دست از تدریس برنداشت. صدیق گرامی جناب آقای سید محمد کاظم شمس می‌نویسد:

«در حدود ۱۰ سال آخر تدریس مرحوم والد تا سال ۱۳۹۶ که شب‌ها در منزل تدریس داشتند، شرکت می‌کردند و از مستشکلین اصلی بحث بودند. خوشبختانه همه درس‌ها ضبط شده، اما ایشان نیز نتیجه بحث را به خوبی تقریر کرده بود و ارائه می‌دادند. از مباحث اصول: استصحاب و تعارض ادله، و در فقه: خمس و بخشی از طهارت و امامت و کلام (توحید و الامر بین الامرین). و در روضه امام صادق در سال‌های اخیر یکی از خطبای این روضه بود».

آثار (چاپی اش) عبارت اند از: ۱. معتمد تحریر الوسیله (کتاب الحج ۳ ج، المسائل المستحدثه ۳ ج، المضاربه)؛ ۲. المعتبر فی شرح المختصر (۳ ج، شرح فارسی مختصر المعانی)؛ ۳. تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن (سوره های جمعه و منافقون و تغابن)؛ ۴. آسان ترین شیوه محاسبه خمس؛ ۵. درس نامه فقه و مناسک؛ ۶. درآمدی بر دانش موضوع شناسی؛ ۷. مجموعه مقالات.

آن مرحوم روز پنج شنبه ۷ خرداد ۱۴۰۵ شمسی (۱۰ ذیحجه الحرام ۱۴۴۷ ق) در ۶۵ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش روز جمعه پس از تشییع و نماز حضرت آیت الله سبحانی، در حجره ۳۰ صحن حرم مطهر حضرت معصومه به خاک آرامید.

رهبر انقلاب در پیام تسلیت خویش نگاشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

بیت محترم مرحوم آیت الله شیخ عباس ظهیری

مصیبت درگذشت آن عالم ربانی را به بازماندگان محترم، بالخصوص همسر و فرزندان مکرم، ارادتمندان و شاگردان ایشان تسلیت عرض می نمایم. وفاداری به انقلاب اسلامی، خدمت در دفتر قائد عظیم الشان شهید و تربیت شاگردان در حوزه علمیه قم از خصوصیات وی بود که ان شاء الله باقیات الصالحات ایشان در دیار باقی باشد. رحمت و رضوان الهی را برای آن مرحوم خواستارم.

سیدمجتبی حسینی خامنه ای

۱۶ خرداد ۱۴۰۵

آیت الله اخلاقی

آیت الله آقای حاج شیخ محمداسحاق اخلاقی از فضایل مشهود مقدس بود. وی سال ۱۳۱۰ شمسی در روستای علیاتو از توابع جاغوری در استان غزنی افغانستان زاده شد. در نوجوانی به اوتغول رفت و ادبیات را از استاد وحیدی و شهید شریفی آموخت. سپس به کابل رفت و شرح لمعه را از آیت الله شیخ عزیزالله غزنوی فراگرفت. سال ۱۳۳۳ به مشهد مقدس آمد و سطوح عالی را از محضر آیات شیخ هاشم قزوینی، شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد تهرانی بهره مند شد. سپس به تهران رفت و از درس های حضرات آیات شیخ محمدتقی آملی، سید ابوالحسن رفیعی، الهی قمشه ای و شهید مطهری بهره برد. سال ۱۳۳۸ به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تبلیغ دین پرداخت. سال ۱۳۴۷ به کابل رفت و خدمات دینی اش را پی گرفت و نامش در زمره فضایل

جاغوری طنین افکن شد و به تبلیغ در میان آنان و حل مشکلات ایشان پرداخت و زبان گویای مردم جاغوری در جریان سفر مقامات افغانستان (مانند ظاهرشاه و نخست وزیر وقت هاشم میوندوال) و طرح مشکلات آنان بود. سپس به هرات رفت و به تبلیغ و تدریس در مدرسه علمیه صادقیه پرداخت و در رشد و تعالی دین و فرهنگ مردم و طلاب هرات نقش بسزایی داشت. پس از کودتای مارکسیستی تره کی در ۱۳۵۷ ش مسی به ایران آمد و وارد مبارزات سیاسی با رژیم کابل گردید و با همکاری گروهی از علما و طلاب، حزب «نهضت اسلامی افغانستان» را تأسیس کرد و از اعضای شورای مرکزی آن و سپس عضو شورای ائتلاف اسلامی افغانستان بود و به نمایندگی از آن به کشورهای مختلف سفر کرد و پس از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان، به عنوان معاون اول آن در ایران تعیین گردید و همراه با آقایان خلیلی و محقق با دبیرکل سازمان ملل دیدار نمود و مواضع شیعیان افغانستان را به گوش جهانیان رسانید (ناصری داودی؛ مشاهیر تشیع در افغانستان؛ ج ۱، ص ۱۰۰).

آثار (چاپی اش) عبارت اند از: ۱. پژوهشی در زندگانی امام حسین (ع)؛ ۲. هزاره ها در جریان تاریخ (ج ۲)؛ ۳. روایت سرنوشت (خاطرات)؛ ۴. زمزمه های دل. همچنین آثار غیر چاپی اش عبارت اند از: ۱. زندگانی امام علی (ع)؛ ۲. تاریخ تشیع؛ ۳. خاطراتی از شخصیت های جاغوری؛ ۴. نهضت امام خمینی از آغاز تا پیروزی؛ ۵. ارمغان.

وی روز پنج شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی (۴ ذیحجه الحرام ۱۴۴۷ ق) در ۹۵ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در روز جمعه، پس از تشییع و نماز آیت الله سید حسن شریفی در بهشت رضا به خاک خفت.

آیت الله افتخاری

آیت الله آقای حاج شیخ علی یاور افتخاری جاغوری از فضلای حوزه علمیه قم بود. آن فقید سعید سال ۱۳۱۴ شمسی در یکی از روستاهای جاغوری زاده شد. سال ۱۳۳۲ به نجف اشرف رفت و شرح لمعه و قوانین و مطول را نزد استاد مدرس افغانی، مکاسب را نزد آیت الله شهید مدنی و رسائل و کفایه را نزد آیات شیخ مجتبی لنگرانی و شیخ صدرا بادکوبه ای آموخت. سال ۱۳۳۸ به تهران آمد و همراه با آیت الله محمد اسحاق اخلاقی، شرح منظومه و اسفار را از استاد شهید مرتضی مطهری، تحریر اقلیدس را از استاد حسن زاده آملی و شرح فصوص را از آیت الله الهی قمشه ای فراگرفت. سال ۱۳۴۲ به قم مهاجرت کرد و در دروس خارج آیات عظام امام خمینی، محقق داماد، گلپایگانی و منتظری

شرکت جست و مبانی علمی اش را استوار کرد و هم‌زمان به تدریس رسائل و شرح منظومه پرداخت. به دنبال وقوع کودتای مارکسیستی افغانستان و اشغال آن، سال ۱۳۵۸ با همکاری جمعی از هم‌فکران خویش، سازمان «نهضت اسلامی افغانستان» را بنیان نهاد و به مبارزه با رژیم اشغالگر شوروی پرداخت و فعالیت‌های خود را گسترش داد و به تأسیس مدارس و کتابخانه‌ها و تألیف مقالات روشنگرانه و سازماندهی دفاتر حزب و فعالیت‌های جهادی همت گماشت. وی به تدریج از امور سیاسی کناره گرفت و تنها به امور دینی و فرهنگی پرداخت و در دهه ۱۳۷۰ در مرکز جاغوری، مجتمع دینی و فرهنگی جاغوری (مسجد جامع و حسینیه و حوزه علمیه رسول اکرم و کتابخانه عمومی انقلاب اسلامی) را بنا نهاد و به غیر از آن در بازسازی مدرسه امام خمینی (اوتغول جاغوری)، مدرسه امام صادق (کوئته پاکستان)، مسجد جاغوری‌های مقیم کابل (دراشمار)، تأسیس کتابخانه (در لوگر)، تأسیس مجتمع فرهنگی و بهداشتی (در شیرداغ) و تأسیس زایشگاه (در سنگماشه) نقش اساسی داشت.

صدیق گرامی جناب استاد عبدالمجید ناصری می‌نویسد:

«شیخ علی یاور افتخاری، فقیه، ادیب، نویسنده، انقلابی و فیلسوف است. وی در میان رهبران جهادی، پس از آیت‌الله محمدآصف محسنی، عالم‌ترین رهبر جهادی افغانستان می‌باشد که رهبری یکی از احزاب مبارز شیعه را در طول ۱۴ سال انقلاب اسلامی و مقاومت همگانی مردم بر ضد حکومت مارکسیستی و سربازان متجاوز روسی بر عهده داشت و در تمام فراز و نشیب ایام مقاومت تاریخی مردم مجاهد هزاره و کل کشور، با قلم و قدم، فکر و بازو مجاهدت کرد. او در گیرودار مقاومت نظامی از مبارزه فرهنگی و علمی غافل نشد و در این زمینه گوی سبقت از همگنان ربود. عالمی خوش‌استعداد و فهیم در علوم حوزوی و اسلامی است؛ با همه خدمات اجتماعی و فرهنگی اش، روحیه‌ای متمایل به انزوا دارد که این امر به قوه جاذبه او ضربه زده و بر دافعه وی افزوده است. وی تنها و گمنام، بی‌ادعا و نجیب، ساده و بی‌ریا با خطرهای ناملازمات، سفرهای طولانی مکرر افغانستان، پاکستان و ایران دست و پنجه نرم می‌کند و برای فردای بهتر و روشن‌تر هزارستان و افغانستان بلادیده و سیلی خورده می‌کوشد» (مشاهیر تشیع در افغانستان؛ ج ۱، ص ۱۲۵-۱۳۲).

آثارش عبارت‌اند از: ۱. مجموعه مقالات (در مجله نهضت)؛ ۲. گذری و نظری (خاطرات)؛ ۳. رساله‌های دینی، سیاسی و اجتماعی.

آن مرحوم در ۱۰ اسفند ۱۴۰۲ شمسی در ۸۸ سالگی بدرو حیات گفت و پیکرش پس از تشییع شایسته و نماز حجت الاسلام والمسلمین سید غلامرضا موسوی در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله الهاشمی

آیت الله آقای حاج سید علی حسن مطر الهاشمی از فضلاء حوزه علمیه قم بود. آن فقیه سعید سال ۱۳۶۲ قمری (۱۳۲۲ ش) در شهر میسان - استان دیوانیه - زاده شد. سال ۱۳۸۵ قمری از دانشسرای تربیت معلم و ۱۳۹۱ قمری از دانشکده اصول الدین بغداد فارغ التحصیل شد. سال ۱۳۹۲ قمری به نجف اشرف رفت و سطوح عالی را از حضرات آیات شهید سید محمد صدر، سید کاظم حائری، شیخ حسن جواهری و شیخ هادی قرشی فراگرفت؛ سپس در سال ۱۴۰۲ قمری به قم آمد و در دروس آیات شیخ مصطفی هرنندی، سید احمد مددی و شیخ هادی آل راضی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد؛ هم زمان فوق لیسانس را هم از جامعة المصطفی دریافت نمود و به تألیف و تدریس هم پرداخت.

آثارش عبارت اند از:

الف) تألیف: ۱. ابطال القول بالحکم الظاهری؛ ۲. اثبات صدور الحدیث بین منهجی نقد السند و نقد المتن؛ ۳. بحوث فی نقد روایات الحدیث؛ ۴. منهج نقد السند فی تصحیح الروایات و تضعیفها؛ ۵. قراءة نقدية فی تاریخ القرآن للمستشرق تیودور نولدکه؛ ۶. اقتصادنا المیسر؛ ۷. فلسفتنا المیسرة؛ ۸. الحلقة الثالثة، اسئلة و اجوبة؛ ۹. الخلاصة الفلسفية؛ ۱۰. دروس فی الاقتصاد الاسلامی؛ ۱۱. دروس فی علم الاصول؛ ۱۲. الصحيفة السجادية، شرح و تعليقات؛ ۱۳. قواعد العلم بالحکم الشرعی؛ ۱۴. الفرق بین العام و المطلق و بین التخصیص و التقييد؛ ۱۵. جهود اهل البيت فی الحفاظ علی السنة الشريفة.

ب) ترجمه: ۱. الاصول (شهید مطهری)؛ ۲. التربية و التعليم فی الاسلام (شهید مطهری)؛ ۳. العرفان - الحکمة العملية (شهید مطهری)؛ ۴. المعرفة فی القرآن (شهید بهشتی)؛ ۵. الامبراطورية الاميركية من الظهور الى السقوط (حمید مولانا)؛ ۶. دراسة تحليلية للمعرفة الدينية عند سروش (عبدالحسين خسروپناه)؛ ۷. دراسة تحليلية للمعرفة الدينية عند بازرگان (خسروپناه)؛ ۸. دراسة تحليلية للمعرفة الدينية عند شریعتی (خسروپناه)؛ ۹. السياسة الخارجية للدولة الاسلامية (صادق حقیقت)؛ ۱۰. النظام العقلائی للحکم (علیرضا پیروزمند)؛ ۱۱. نظرة عابرة الى ولاية الفقيه (محمد تقی مصباح)؛ ۱۲. ولاية الفقيه و القيادة فی الإسلام (آیت الله جوادی آملی).

آن مرحوم روز پنج‌شنبه ۱۶ رمضان ۱۴۴۷ قمری (۱۴ اسفند ۱۴۰۴ ش) در ۸۳ سالگی بدرود حیات گفت.

آیت‌الله صدر

آیت‌الله آقای حاج سیدحسین صدر از عالمان نامی کاظمین بود. آن فقید سعید روز شنبه ۱۱ ربیع‌الاولی ۱۳۶۴ قمری (۵ اسفند ۱۳۲۳ ش) در کاظمین در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت‌الاسلام حاج سیدمحمدهادی صدر (۱۳۲۶ - ۱۳۹۷ ق) فرزند حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی صدر و نواده آیت‌الله العظمی سیدحسن صدر بود. وی پس از اخذ لیسانس از کلیه الحقوق بغداد به تحصیل علوم دینی روی آورد و به نجف اشرف رفت و شرح لمعه را نزد آقایان سیدعبدالمجید حکیم، شیخ مفید فقیه و سید نورالدین اشکوری، مکاسب را نزد آیات سیدمحمدحسین حکیم و سیدکاظم حائری و کفایه را نزد آیات شهید سیدعلاءالدین حکیم و شیخ محمدتقی ایروانی آموخت. پس از آن در درس آیات عظام آقای خویی، امام خمینی و شهید صدر حاضر شد و بهره‌های فراوان برد و سپس به نمایندگی آیت‌الله حکیم به بغداد (در منطقه کراوه) آمد و به تألیف و تدریس و اقامه جماعت (در مسجد حاج عباس تمیمی) و رسیدگی به امور مؤمنان پرداخت. وی در دوران رژیم بعث، گرفتار آزارها و فشارهای رژیم شد و به زندان رفت و کتابخانه‌اش مصادره گردید و تمام فعالیت‌هایش را تعطیل کردند؛ ازاین‌رو ناگزیر به سوریه مهاجرت کرد و در منطقه زینبیه، «مؤسسه اهل البيت» را برای خدمت به مهاجرین عراقی به وجود آورد. سپس به ایران آمد و در تأسیس مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق مشارکت فعال داشت و پس از آن به لندن رفت و «المعهد الاسلامی للخطابة و التبلیغ» را پایه نهاد و از سران معارضین عراق به شمار آمد؛ همچنین در تأسیس و فعالیت‌های بنیاد خیریه دارالاسلام مشارکت فعال داشت. پس از سقوط رژیم بعث، به بغداد بازآمد و به نمایندگی مردم در پارلمان عراق انتخاب شد و در کنار آن نیز به خدمات دینی و اجتماعی خود پرداخت و بر زبان‌های فارسی و انگلیسی هم تسلط داشت.

آثارش عبارت‌اند از: ۱. دیوان شعر (۶ ج)؛ ۲. موسوعة العراق الجديد؛ ۳. تراجم الاعلام؛ ۴. المعاصرون؛ ۵. قرائات فی کتاب الحیاة؛ ۶. موسوعة الامام الحسین (۴ ج)؛ ۷. الامام الحسین منهل الانسانية؛ ۸. الامام الحسین مهوى القلوب و منار الشعوب؛ ۹. الامام الصادق عطاء و إشعاع؛ ۱۰. الامام الصادق راهب بنی‌هاشم؛ ۱۱. السبق الحضاری للإمام الجواد؛ ۱۲. فی رحاب الامام العسکری؛ ۱۳. صفحات مضيئة فی رحاب اهل البيت؛ ۱۴. عبیر الولاء فی محمد و اهل

بیتة النجباء (به اهتمام کرار نبیل علوان)؛ ۱۵. سلاما یا رسول الله؛ ۱۶. ما اعظمک یا فاطمة؛ ۱۷. احادیث اسلامیة فی قضایا الزواج و الأسرة؛ ۱۸. الزواج و المرحلة الجهادية؛ ۱۹. المرجعية الشهيدة؛ ۲۰. لا ان يموت الصدر؛ ۲۱. المحطات الرئيسية فی حياة الإمام الشهيد الصدر؛ ۲۲. ذکریاتی مع الامام الشهيد السيد محمد باقر الصدر؛ ۲۳. موسوعة المنبر.

آن مرحوم روز سه شنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی (۳ ذی قعدة الحرام ۱۴۴۷ ق) در ۸۲ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله سید حسین صدر، در مقبره جدش در صحن حرم مطهر کاظمین به خاک آرمید.

استاد خرسند

استاد پرویز خرسند از نویسندگان نام‌آشنای ادبیات دینی بود. وی ۲۰ شهریور ۱۳۱۹ در مشهد مقدس زاده شد و در نوجوانی به نویسندگی روی آورد و در سال ۱۳۴۱ تحت تعقیب قرار گرفت و در زندگی مخفی خود دو کتاب مشهورش را نگاشت. سپس به تهران آمد و در حسینیه ارشاد و بنیاد شاهنامه فعالیت‌های دینی و ادبی خود را پی گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجله سروش را پایه‌گذاری کرد و تا سال‌های بسیار سردبیر آن بود و در هر شماره آن، سرمقاله‌ای شیوا نگاشت و در سالیان اخیر به شرح ادبی نهج البلاغه پرداخت.

آثارش عبارت‌اند از: ۱. برزیگران دشت خون؛ ۲. مرثیه‌ای که ناسروده ماند؛ ۳. آنجا که حق پیروز است؛ ۴. اسطوره هابیل و قابیل؛ ۵. شهید همه اعصار؛ ۶. یگانه و دیوار (خاطرات زندان)؛ ۷. پیغام زخم؛ ۸. من؛ ۹. شرح ادبی نهج البلاغه.

آن مرحوم روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی (۳ ذیحجة الحرام ۱۴۴۷ ق) در ۸۵ سالگی بدرود حیات گفت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیام تسلیت خویش نگاشت:

«درگذشت زنده‌یاد پرویز خرسند، نویسنده، روزنامه‌نگار و از چهره‌های اثرگذار عرصه فرهنگ و مطبوعات، موجب تأسف و تأثر شد. ایشان از نسل اهل قلمی بود که نوشتن را تنها ابزار بیان نمی‌دانستند، بلکه آن را مسئولیتی در قبال جامعه، فرهنگ و انسان تلقی می‌کردند. سال‌های طولانی حضور ایشان در عرصه نویسندگی، روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های فرهنگی، با دغدغه‌مندی نسبت به مسائل اجتماعی و فرهنگی همراه بود و آثار و نوشته‌هایش، بازتاب نگاه انسانی، جستجوگر و متعهد به تحولات زمانه به شمار می‌رفت. زنده‌یاد

خرسند در دوره‌ای از تاریخ مطبوعات ایران قلم زد که رسانه بیش از هر زمان دیگر، میدان گفتگو، اندیشه و مسئولیت اجتماعی بود. او کوشید در میان فرازونشیب‌های فرهنگی و اجتماعی، شأن قلم و جایگاه اندیشه را پاس بدارد و از همین رو، نامش در حافظه بخشی از جامعه فرهنگی و رسانه‌ای کشور، با تلاش برای آگاهی‌بخشی، روایت صادقانه و دغدغه نسبت به فرهنگ این سرزمین پیوند خورده است. بی‌تردید فقدان چهره‌هایی از این گونه، تنها ازدست‌رفتن یک نویسنده یا روزنامه‌نگار نیست، بلکه یادآور نسلی است که با سختکوشی، مطالعه و تعلق خاطر به فرهنگ ایران، در شکل‌گیری فضای فکری و رسانه‌ای معاصر سهم داشتند.

اینجانب درگذشت این چهره فرهنگی را به خانواده محترم ایشان، دوستان، شاگردان، اصحاب رسانه و جامعه فرهنگی کشور تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال، برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان، صبر و آرامش خواستارم. سیدعباس صالحی

۴۲۱

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

حجت‌الاسلام مردانی

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ خیرالله مردانی از فضیلتی تهران بود. وی سال ۱۳۲۸ شمسی در سنقر استان کرمانشاه زاده شد. او سال ۱۳۷۹ شمسی به قم آمد و پس از اتمام سطوح نزد استاد شیخ مهدی صالحی اصفهانی، در دروس آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی حاضر شد و افزون بر آن به تألیف و تبلیغ و مناظره و مبارزه با انحرافات دینی به‌ویژه تصوف پرداخت.

آثار (چاپی‌اش) عبارت‌اند از: ۱. علی (ع) از نگاه دیگران؛ ۲. علی (ع) از منظر قرآن و احادیث قدسی و احادیث نبوی؛ ۳. امامت و ولایت و وصایت علی (ع) در سخنان پیامبر؛ ۴. غدیر در بستر تاریخ؛ ۵. پرتوی از سیمای تابناک ابوطالب؛ ۶. پرتوی از سیمای مهدویت در قرآن و حدیث؛ ۷. اسناد شهادت حضرت زهرا؛ ۸. اعترافات دانشمندان بزرگ جهان؛ ۹. تحقیقی در تصوف و عرفان؛ ۱۰. ائمه در قرآن؛ ۱۱. بررسی و نقد اندیشه شریعتی؛ ۱۲. بررسی مسائل اسلامی (در اثبات حرمت موسیقی و شطرنج)؛ ۱۳. حقوق زن از نظر تاریخ و اسلام؛ ۱۴. مناظره ثمربخش (با برخی از دانشجویان اهل سنت)؛

۱۵. و ده‌ها کتاب غیرچاپی در موضوعات مختلف (که نام آنها در معجم مؤلفی الامامیه، ج ۱۴، ص ۹۹ - ۱۰۴ آمده است).

آن مرحوم روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۴۰۵ شمسی (۲۶ ذی الحجة ۱۴۴۷ ق) در ۷۷ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در قبرستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

دکتر خرازی

شهید سعید آقای دکتر سیدکمال (علی نقی) خرازی یکی از شهیدان سرافراز جمهوری اسلامی است که مظلومانه به دست دشمن آمریکایی - صهیونیستی به شهادت رسید. وی در ۱۰ آذر ۱۳۲۳ در تهران، در بیت فضیلت زاده شد. پدرش حاج سیدمهدی خرازی از اخیار و بزرگان و معتمدان بازار تهران بود. وی سال ۱۳۵۱ مدرک کارشناسی ارشد علوم تربیتی از دانشگاه تهران و سال ۱۳۵۵ مدرک دکترای خود را در رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه هیوستون دریافت نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مناصب گوناگونی همچون مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۵۹ - ۱۳۶۸)، ریاست ستاد تبلیغات جنگ در سال‌های دفاع مقدس، سفیر و نماینده دائمی ایران در سازمان ملل (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)، وزیر امور خارجه (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴) و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و به‌تازگی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی را بر عهده داشت. او استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و دبیر ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی بود. به دلیل فعالیت‌های فرهنگی‌اش در اوایل پیروزی انقلاب و سال‌های دفاع مقدس، در سال ۱۳۹۳ نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر را دریافت کرد. وی بنیان‌گذار و ریاست هیئت مدیره کلینیک مغز و شناخت و از پیشگامان توسعه علوم شناختی در ایران بود. وی از معدود چهره‌هایی بود که با درکی عمیق از اهمیت علوم شناختی در آینده سلامت و آموزش، نه تنها در سطح سیاست‌گذاری، بلکه در عرصه بنیان‌گذاری و نهادسازی، نقشی ماندگار ایفا کرد. کلینیک مغز و شناخت یکی از ثمرات نگاه بلند و مسئولانه او، تجلی پیوند علم، انسان‌دوستی و تعهد به ارتقای کیفیت زندگی جامعه است.

آن شهید با نگاهی فراتر از زمانه خود، مسیرهایی را گشود که امروز به جریان زنده‌ای در آموزش، پژوهش و خدمات تخصصی این حوزه تبدیل شده است؛ مسیری که بی‌تردید فقدان وی، خللی عمیق در آن ایجاد خواهد کرد؛ اما میراث فکری و عملی‌اش، راهنما و الهام‌بخش ادامه این مسیر خواهد بود.

استاد عبدالرحیم اباذری می‌نویسد:

«امروز وقتی در گروه‌ها خبر شهادت آقا سیدکمال خرازی را دیدم، ناگهان به ذهنم آمد که چقدر انسان‌های پاک، صادق، خدوم، بی‌ادعا، متین، محجوب،

محبوب، عالم، عاقل، معتدل و از همه مهم‌تر ریشه‌دار و اصیل، یکی پس از دیگری رخت می‌بندند و خیلی راحت از این نشأت کوچ می‌کنند و بدون اینکه به پشت سرشان نگاه کنند، به خیل کاروانیان «عند ربهم یُرْزُقُون» می‌پیوندند. در این جنگ تحمیلی دوم و سوم اندکی به عقب برگردیم و حساب و کتاب کنیم، درمی‌یابیم چه گوه‌رهایی را به راحتی از دست دادیم؟! این عزیزان به دست شقی‌ترین و کثیف‌ترین آدم‌های روزگار مانند اصحاب اُپستین و کودک‌خوارهای بدتر از حیوانات وحشی ترور شده و امروز جایشان در میان ما خالی است؛ اما به یقین آثار و برکات این خون‌های به ناحق ریخته شده در آینده نه چندان دور برای امت اسلامی و به خصوص مردم ایران آشکار، ملموس و شگفت‌انگیز خواهد شد؛ چنان‌که نشانه‌های آن را از هم اکنون مشاهده می‌کنیم، البته به شرطی که ما قدر، قیمت و حساسیت این ایام را به درستی درک کنیم، اتحاد، همدلی و همبستگی را در میان مردم حراست نماییم و در صحنه‌های خیابانی حضور حماسی داشته باشیم. این قدر به هم دیگر گیر ندهیم، به مسئولان اعم از اجرایی، قضایی، تقنینی و فرماندهان نظامی و انتظامی که در خط مقدم جبهه جانفشانی می‌کنند، اعتماد داشته و احیاناً از تخریب و تضعیف آنان به اسم نقد برحذر باشیم تا خدای ناکرده فردا گرفتار پشیمانی غیر قابل جبران نشویم.

این شهدا هر کدام، انسان‌های فرهیخته و دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و درواقع از سرمایه‌های دینی، فرهنگی، انقلابی و اخلاقی کشور عزیزمان ایران به شمار می‌آمدند که سال‌ها باید بگذرد تا از این انسان‌های فرشته‌خوی و دوست‌داشتنی دوباره تربیت شوند و پا در عرصه اجتماع نهند. حتی شهدای مظلوم از توده مردم و کودکان پاک و معصوم مدرسه میناب که می‌توانستند خامنه‌ای‌ها، لاریجانی‌ها و ده‌ها فرماندهان و دانشمندان آینده کشورمان باشند.

آقا سیدکمال خرازی از این تبار طیب و طاهر بود. شاید بعضی‌ها خبر نداشته باشند، او از مؤسسان اصلی «مؤسسه در راه حق» در قم بود و به اهتمام، غیرت دینی و دردمندی او این تشکیلات دینی و فرهنگی در حوزه راه اندازی شد؛ اما وی هرگز آن را بروز نمی‌داد و به رخ این و آن نمی‌کشید. در خاطرات آیت‌الله رضا استادی می‌خوانیم: «مؤسس اصلی این مرکز علمی، حضرت آیت‌الله خرازی است؛ به این صورت که آیت‌الله خرازی از طریق برادرش آقای سیدکمال خرازی

(وزیر امور خارجه در دولت آقای خاتمی) با خبر می شود مسیحی ها در کشور فعالیت های دینی و فرهنگی گسترده ای به راه انداختند و حتی این تبلیغات به مراکز مهم آموزشی نیز سرایت کرده است. این دو برادر از روی احساس وظیفه و غیرت دینی تصمیم می گیرند در مقابل این تهاجم چاره ای بیندیشند».

این مؤسسه در سال ۱۳۴۳ به همت اخوان خرازی تأسیس شد. بعدها چند نفر دیگر نیز به همکاری دعوت شدند؛ از جمله در سال ۱۳۵۰-۱۳۵۱ چون بخش آموزش مؤسسه راه اندازی شد، در این مرحله از مرحوم آیت الله مصباح یزدی برای همکاری در این بخش به مؤسسه دعوت شد. آقا کمال خرازی سال ها در مؤسسه حضور تعیین کننده داشت و همین طور حضرت آیت الله سید محسن خرازی (دام عزه)؛ اما اخلاص، تواضع و بی ادعایی مانع از آن بود که خودشان را سهم بدانند و به عبارتی سهام فروشی کنند؛ به گونه ای که «مؤسسه در راه حق» بیشتر به نام آیت الله مصباح شناخته می شد، چنان که هنوز هم چنین شهرت دارد. اینها نکته ها و درس هایی است که می تواند برای ما طلاب، فضلا، اساتید و حتی عموم مردم آموزنده باشد».

آن شهید والامقام در ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ در ۸۱ سالگی، همراه با همسرش بر اثر بمباران هوایی دشمن آمریکایی به خیل شهیدان انقلاب اسلامی پیوست و پیکرش (بنا به وصیتش) پس از تشییع ساده در قطعه ۴۷ بهشت زهرا به خاک سپرده شد و در سوگش ده ها پیام تسلیت صادر گردید.

رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت خویش نگاشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر شهادت استاد برجسته عرصه علم و فرهنگ و شخصیت مجرب عرصه سیاست خارجی جناب آقای دکتر سید کمال خرازی، سند افتخار برای جامعه دانشگاهیان، اساتید دانشگاه و مسئولان سیاسی نظام جمهوری اسلامی و در سوی مقابل، سند ننگین رذالت مستکبران آمریکایی - صهیونیستی و دشمنان علم، فرهنگ و تمدن ایران است.

ایشان سال های متمادی از عمر خود را به خدمت در عرصه های مختلف فرهنگی، تبلیغاتی و مسئولیت وزارت خارجه سپری کرده و علاوه بر فعالیت در زمینه های نوین علوم شناختی، در شورای راهبردی روابط خارجی ایفای نقش داشت.

اینجانب شهادت آن شخصیت خدوم و همسر گرامی‌شان را به عموم مردم، جامعه دانشگاهیان، علاقه‌مندان و شاگردان این استاد و نیز خاندان ارجمند خرازی به‌ویژه جناب آیت‌الله سیدمحسن خرازی تسلیت و تبریک می‌گویم و از خداوند متعال برای ایشان علو درجات را مسئلت می‌کنم.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۱ فروردین ۱۴۰۵

حجت‌الاسلام نعمانی

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا نعمانی از فضیلات نجف اشرف و امام جمعه شهر نعمانیه عراق بود. آن فقید سعید سال ۱۳۷۲ قمری (۱۹۵۳ م) در نعمانیه زاده شد. او سال ۱۳۸۹ قمری به نجف اشرف آمد و ادبیات را نزد آقایان شیخ محمدسعید نعمانی و سیدمحمد غروی و سطوح را نزد آیات سیدمجید حکیم، سیدمحمد حسین حکیم، شیخ هادی قرشی و شهید سیدمحمد صدر آموخت. سال ۱۳۹۶ قمری به دروس شهید سیدمحمدباقر صدر پیوست و تا آخر عمر مبارک آن شهید بزرگوار همراه او بود و در سفر و حضر و روزهای سخت زندگی و محاصره شهید صدر، آنی از وی جدا نشد و گنجینه اسرار صدر به شمار می‌رفت. پس از شهادت مظلومانه شهید صدر و خواهرش بنت‌الهدی، به قم آمد و به تألیف و تحقیق پرداخت. پس از سقوط رژیم بعث عراق، به زادگاهش بازگشت و امامت جمعه و جماعت را بر عهده گرفت و سالیان فراوان به تبلیغ دین و رفع نیازهای مردم پرداخت.

آثارش عبارت‌اند از: ۱. ختام الأوصیاء؛ ۲. فاطمة و الخلافة؛ ۳. الشهيد الصدر، سنوات المحنة و ایام الحصار (به نام «شرح صدر» ترجمه شده است)؛ ۴. الشهيدة بنت الهدی، سیرتها و مسیرتها؛ ۵. شهید الأمة و شاهدا.

آن مرحوم روز جمعه ۲ مرداد ۱۴۰۵ شمسی (۹ صفر ۱۴۴۸ ق) در ۷۳ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در روز چهارشنبه ۷ مرداد و نماز آیت‌الله حاج شیخ حسن جواهری، در قبرستان وادی السلام در مقبره شهید صدر به خاک سپرده شد.

حجت‌الاسلام صفی

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدحسن صفی از فضیلات حوزه علمیه قم بود. وی روز شنبه ۸ فروردین ۱۳۱۵ شمسی (۵ محرم الحرام ۱۳۵۵ ق) در قم زاده شد. پدرش مرحوم ثقة‌الاسلام

حاج سید محمد صفحی و برادرانش حجج اسلام آقایان حاج سید مهدی و حاج سید محمد صفحی هم از فضایی حوزه علمی قم بودند. در ۱۷ سالگی (۱۳۳۲ ش) به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات را نزد پدرش و برادرانش آموخت. سال ۱۳۲۵ شمسی به کربلا رفت و بخشی از سطوح را نزد آیت الله سید محمد شیرازی فراگرفت. سپس به قم بازآمد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات محمد مؤمن، ستوده، صلواتی و مشکینی آموخت و پس از آن به تبلیغ دین و خطابه و تألیف پرداخت و سفرهای متعدد تبلیغی به سوریه و عراق و لبنان و ارتباط وثیق با حضرات آیات سید محمد شیرازی و سید موسی صدر داشت.

آثارش عبارت‌اند از: ۱. الهامات جانبخش و پیام‌های جالب (شرح زندگی ۱۴ معصوم)؛ ۲. داستان‌های جالب یا شمه‌ای از آثار ادعیه و انفاس قدسیه؛ ۳. خودسازی گام به گام؛ ۴. ره توشه اهل سخن؛ ۵. تکمیل هدیه احمدیه (میرزا احمد آشتیانی).

آن مرحوم روز سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵ (۵ صفر الخیر ۱۴۴۸ ق) در ۹۰ سالگی بدروند زندگی گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت الله سید مرتضی هاشمی، در قبرستان امامزاده علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام عبداللهی

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالکریم عبداللهی از فضایی حوزه علمی مشهد مقدس بود. وی سال ۱۳۲۷ شمسی در روستای «واوسر» از توابع ساری زاده شد. در نوجوانی پس از مدتی تحصیل نزد آیات لیموندهی، میرمعصوم میرعمادی و کوهستانی، به مشهد مقدس رفت و ادبیات را نزد استاد ادیب نیشابوری، شرح لمعه را نزد آیت الله سید احمد مدرس یزدی، مکاسب را نزد شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد، کفایه را نزد آیت الله علی مشکینی (که در آن سال‌ها در مشهد به سر می‌برد) و خارج فقه و اصول را هم نزد آیت الله العظمی میلانی فراگرفت و از آیت الله سید عزالدین زنجانی به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد و سالیان فراوان به تدریس (در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی) و تألیف و تبلیغ دین و اقامه جماعت در مسجد المهدی (رضاشهر) پرداخت. کتاب مردی از کوهستان به قلم غلامعلی قلمبر در باره او به چاپ رسیده است.

آثارش عبارت‌اند از: ۱. نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ ۲. گفتاری کوتاه پیرامون قوم یهود و صهیونیسم؛ ۳. طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت؛ ۴. پژوهشی در تعارض اخبار؛ ۵. تفسیر آیات الأحکام؛ ۶. پژوهشی درباره خمس؛ ۷. قواعدی از فقه؛ ۸. أصالة البرائة؛ ۹. مجموعه مقالات.

آن مرحوم روز شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۵ شمسی (۱۰ صفرالخير ۱۴۴۸ ق) در ۷۸ سالگی بر اثر تصادف (همراه با همسرش حاجیه خانم عابدینی) بدرود زندگی گفت و پیکرش روز چهارشنبه پس از تشییع و نماز آیت الله سیداحمد علم الهدی در حرم مطهر امام رضا (ع) - رواق حضرت زهرا - به خاک سپرده شد.

آیت الله امراللهی

آیت الله حاج شیخ محمدحسین امراللهی از فضالای نامی حوزه علمیه قم بود. وی روز جمعه ۷ بهمن ۱۳۱۷ شمسی (۶ ذیحجه الحرام ۱۳۵۷ ق) در یزد در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد و نیایش آیت الله ملاحسن کوچه بیوکی یزدی بوده است. او سال ۱۳۳۵ شمسی رهسپار قم شد و ادبیات را نزد مرحوم استاد آدینه وند و آیت الله اعتمادی، سطوح را نزد آیات ستوده، اعتمادی، صلواتی و اشتیاردی، سطوح عالیه را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، مشکینی، منتظری و سلطانی طباطبایی، اسفار را از حضرات آیات جوادی آملی و حسن زاده آملی و سیدرضا صدر و شرح منظومه را هم از آیت الله محمدی گیلانی فراگرفت. پس از آن در دروس آیات عظام امام خمینی، محقق داماد، شیخ مرتضی حائری، سیدرضا بهاء الدینی و شیخ محمدتقی بهجت حاضر شد و بهره های فراوان برد. او هم زمان به تدریس و تبلیغ و تألیف و احیای آثار آیت الله حاج آقا مرتضی حائری پرداخت و در زمان مبارزات روحانیت علیه رژیم شاه، نامش ذیل اعلامیه های فضلالی حوزه علمیه قم دیده می شد. در سخن گفتن و مصرف وجوهات بسیار محتاط و به تقوا و زهد شهره بود.

آثارش عبارت اند از:

۱. تحقیق و تعلیق مکاسب محرمه (با همکاری مرحوم استاد حاج شیخ محمدرضا فاکر)؛ ۲. تصحیح آثار آیت الله حائری؛

الف) صلاة الجمعة، ب) کتاب الخلل، ج) کتاب الخمس، د) کتاب مبانی الأحکام فی اصول شرایع الإسلام (۳ ج)، ه) آفاق نور در مباحث تفسیری (۲ ج).

آن مرحوم روز شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ شمسی (۱۷ صفر ۱۴۴۸ ق) در ۸۷ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش روز دوشنبه ۱۲ مرداد پس از تشییع و نماز آیت الله حاج سیدمهدی میرباقری در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام هاشمی

حجت الاسلام والمسلمین آقای سیدصدرا هاشمی از استادان نامی حوزه علمیه قم بود. وی سال ۱۳۴۵ شمسی در «دامنه» از توابع داران اصفهان زاده شد. او سال ۱۳۶۲ به خوانسار رفت و در مدرسه مریم بیگم، ادبیات را نزد استاد سیدمرتضی علوی آموخت. سپس به قم آمد و سطوح عالیّه را نزد حضرات آیات ستوده، اعتمادی و پایانی آموخت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام منتظری، وحید خراسانی و تبریزی شرکت جست و مبنای علمی اش را استوار کرد. وی بارها در جبهه های دفاع مقدس و عملیات های مختلف شرکت داشت و در شلمچه مجروح گردید و ده ها ترکش در بدنش جای گرفته بود. بیش از سی سال به تدریس سطوح عالیّه و خارج فقه و اصول پرداخت و با بیان شیوایش، بارها رسائل و کفایه را تدریس نمود و مجلس درسش یکی از شلوغ ترین محافل درسی حوزه بود. او تسلطی شگفت بر مطالب و مبنای بزرگان در علم اصول و مصداق یابی موارد فقهی مربوط داشت و اهمیت مباحث گوناگون اصول را به نحو عینی مجسم می کرد. سادگی و بی ربایی و عدم دلبستگی به دنیا و صراحت لهجه و زبان گویایش در دفاع از مکتب اهل بیت و نقد انحرافات در سنت های حوزوی در زندگی اش مشهود بود. جناب آقای محمدحسین آهنگران می نویسد:

«استاد فقیدم، مرحوم حاج آقا سیدصدرا هاشمی از جمله استادانی بود که مجموعه ای کم نظیر از فضایل اخلاقی و علمی را در وجود خویش جمع کرده بود؛ تواضعی مثال زدنی، دقت نظری عمیق، و زهدی که نه در سخن، بلکه در سراسر زندگی او تجلی داشت. سال ها در شرایط دشوار زیست؛ اما هیچ گاه از انجام وظیفه خویش فروگذار نکرد. سالیانی در منزلی آفتاب گیر و بدون امکانات سرمایشی زندگی کرد و حتی در ساده زیستی، چنان بود که تنها یک دست قبا و یک دست دشداشه داشت. با این همه، این تنگی معیشت هرگز از همت و نشاط علمی او نکاست. اهل تلاش و کار بود و مطالعه برای او نه یک عادت، بلکه بخشی از حقیقت زندگی اش بود. شاهد بودم که با وجود دردها و رنج های ناشی از اصابت ده ها ترکش به جامانده از عدوان صدامی، روزانه ساعت ها به مطالعه می پرداخت و این رنج جسمانی هرگز نتوانست او را از مسیر علم و تحقیق باز دارد. ثمره این مجاهدت علمی، تربیت شاگردان فراوان بود. آن چنان که خود ایشان روزی با همان لحن صمیمی همیشگی فرمودند: "من بیش از سه هزار شماره تماس از شاگردانم دارم!" این تعبیر به خوبی نشان می داد که دامنه

ارتباط و پیوند او با شاگردانش تا چه اندازه گسترده بوده است. با این همه، هیچ‌گاه خود را در جایگاه استادی که میان او و شاگردانش فاصله‌ای باشد نمی‌دید. اکنون فقدان چنین عالمی، برای حوزه علمیه تنها فقدان یک استاد نیست؛ فقدان عالمی است که علم را با زهد، تلاش را با تواضع و استادی را با برادری و محبت درآمیخته بود. بی‌تردید فقدان ایشان ضایعه‌ای سنگین برای حوزه علمیه است. یا دَهْرُ أَفٍّ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ».

از وی کتاب در باب ارتداد و تکفیر و ده‌ها اثر فقهی و اصولی (مخطوط) و صدها نوار درسی برجای مانده است.

وی روز شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ شمسی (۲۳ صفر ۱۴۴۸ ق) در ۶۰ سالگی بدرود زندگی گفت و پیکرش روز یکشنبه ۱۸ مرداد پس از تشییع و نماز حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین مؤمنی در قبرستان باغ بهشت قم به خاک خفت.

۴۲۹

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

حجت الاسلام طیبی

حجت الاسلام والمسلمین حاج سیدحسن طیبی سبزواری، از فضلالی حوزه علمیه مشهد مقدس بود. آن مرحوم سال ۱۳۱۸ شمسی در کربلا زاده شد. پدرش حاج سیدعلی محمد از اخیار سبزواری بود که در زمان رضا خان، ترک وطن کرده و در کربلا ساکن شده بود. وی در جوانی به نجف اشرف رفت و سطوح عالی را فراگرفت؛ سپس در سال ۱۳۵۰ به لبنان رفت و به آیت الله سیدموسی صدر پیوست و از سوی او به تبلیغ دین در شهرها و روستاهای جنوب لبنان پرداخت. سال ۱۳۵۴ به سبزواری آمد و به تحقیق و تألیف و اقامه جمعه و جماعت در مسجد خاتم الانبیا پرداخت. سال ۱۳۵۹ به مشهد مقدس رفت و در بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی به تحقیق پرداخت.

آثارش عبارت‌اند از: ۱. المعجم المفهرس لالفاظ وسائل الشیعة (۱۰ ج، چاپی)؛ ۲. راویان امام صادق (ع)؛ ۳. مجموعه فتاوی صاحب الجواهر.

آن فقید سعید روز پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵ شمسی (۱۶ محرم ۱۴۴۸ ق) در ۸۷ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش روز جمعه، پس از تشییع و نماز برادرش حجت الاسلام والمسلمین سیدناصر طیبی در قطعه ۴۸ بهشت رضا به خاک سپرده شد.

دکتر قائمی

دانشمند بزرگوار استاد دکتر علی قائمی از نویسندگان نامی تاریخ اهل بیت و علوم تربیتی و جامعه‌شناسی مذهبی بود. او سال ۱۳۱۶ شمسی در امیرکلا از توابع بابل زاده شد. پس از اخذ لیسانس، راهی فرانسه شد و از دانشگاه سوربن موفق به اخذ دو درجه دکتری در رشته‌های علوم تربیتی و جامعه‌شناسی مذهبی شد. پس از آن به تهران آمد و به فعالیت‌های دینی و فرهنگی و تدریس و تألیف و سخنرانی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایندگی مردم مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی و نمایندگی مردم بابل و بندپی در مجلس شورای اسلامی (دوره اول) برگزیده شد و در تدوین قوانین اساسی نظام اسلامی مشارکت داشت.

برخی از آثارش عبارت‌اند از: ۱. در مکتب رسول رحمت حضرت محمد (ص)؛ ۲. در مکتب امیرالمؤمنین (ع)؛ ۳. در مکتب فاطمه (س)؛ ۴. فاطمه (س) برترین بانوی اسلام؛ ۵. در مکتب کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (ع)؛ ۶. در مکتب مهتر شهیدان حضرت امام حسین (ع)؛ ۷. در مکتب پیشوای ساجدان امام علی بن الحسین (ع)؛ ۸. در مکتب فجر دانش‌ها حضرت امام محمد باقر (ع)؛ ۹. در مکتب احیاگر تشیع حضرت امام جعفر صادق (ع)؛ ۱۰. در مکتب اسوه صلابت حضرت امام موسی بن جعفر (ع)؛ ۱۱. در مکتب عالم آل محمد امام علی بن موسی الرضا (ع)؛ ۱۲. مشعل هدایت، در مکتب امام علی النقی (ع)؛ ۱۳. ماه در محاق، در مکتب باب الهدی ابوالحجه امام حسن عسکری (ع)؛ ۱۴. بامداد روشنائی، در مکتب بقیه الله الاعظم؛ ۱۵. زندگی حضرت زینب (س)، رسالتی از خون و پیام؛ ۱۶. حدود آزادی و تربیت؛ ۱۷. پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان؛ ۱۸. خانواده و تربیت جنسی کودکان؛ ۱۹. اخلاق و معاشرت در اسلام؛ ۲۰. اسلام و تربیت دختران؛ ۲۱. تشکیل خانواده در اسلام؛ ۲۲. حیات زن در اندیشه اسلامی؛ ۲۳. خانواده و تربیت کودک؛ ۲۴. خانواده و کودکان دشوار؛ ۲۵. خانواده و کودکان گرفتار؛ ۲۶. خانواده و مسائل عاطفی کودکان؛ ۲۷. خانواده و مسائل همسران جوان؛ ۲۸. خانواده و مشکلات اخلاقی کودکان؛ ۲۹. خانواده و نابسامانی‌های روانی کودکان؛ ۳۰. دنیای نوجوانی دختران؛ ۳۱. مسئله ترس و اضطراب در کودکان؛ ۳۲. نقش پدر در تربیت؛ ۳۳. نقش مادر در تربیت؛ ۳۴. مجموعه بحث‌ها در زمینه شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان؛ ۳۵. زمینه تربیت؛ ۳۶. روان‌شناسی و تربیت کودکان شاهد؛ ۳۷. وسواس؛ ۳۸. روش تحقیق با تأکید بر مکتب‌شناسی؛ ۳۹. مثنی و سیاست محمد؛ ۴۰. چرا تشیع؟؛ ۴۱. تربیت و سازندگی؛ ۴۲. آسیب‌ها و عوارض اجتماعی: ریشه‌یابی، پیشگیری، درمان.

آن مرحوم روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵ شمسی (۲۱ صفر ۱۴۴۸ ق) در ۸۹ سالگی بدرود زندگی گفت و پیکرش پس از تشییع شایسته و نماز امام جمعه بابل حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن روحانی، در امامزاده قاسم بابل به خاک سپرده شد.

۴۳۰

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

دکتر کمالیان

استاد دکتر محسن کمالیان از پژوهشگران نامی تاریخ و تراجم بود. آن فقید سعید روز چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۴۳ شمسی (۳ ربیع‌الثانی ۱۳۸۴ ق) در شهر آخن آلمان زاده شد. پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۶۲ به دانشکده مهندسی عمران دانشگاه تهران رفت و در ۱۳۸۰ مدرک دکتری خود را دریافت نمود. او به عنوان دانشجوی بسیجی چند ماه از سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ را در جبهه‌های دفاع مقدس خدمت کرد. در سال ۱۳۹۳ به مرتبه علمی استادی در پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله دست یافت و ریاست پژوهشکده مهندسی ژئوتکنیک و مدیریت گروه ژئوتکنیک لرزه‌ای را بر عهده داشت و ده‌ها رساله تخصصی را هدایت و بیش از ۸۰ مقاله علمی پژوهشی را منتشر کرد. وی از علاقه‌مندان و پژوهشگران خاندان صدر بود و با کوشش و پژوهشی استوار قلم بر دست گرفت و ده‌ها کتاب درباره این خاندان پدید آورد. او دوستی خوش مجلس، خوش سخن، پراطلاع، هنرور، کریم و مهربان، اسوه دقت و استقامت و تحقیق و تتبع بود. فقدانش بسی سخت و باورناپذیر است.

۴۳۱

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

آثار عبارت‌اند از: ۱. عزت شیعه (۲ ج) درباره امام موسی صدر؛ ۲. مشاهیر خاندان صدر (۳ ج)؛ ۳. صدر دین درباره آیت‌الله سیدصدرالدین صدر؛ ۴. سفرنامه خاندان صدر (۲ ج)؛ ۵. شعر در خاندان صدر (۲ ج)؛ ۶. روحانیون خاندان صدر؛ ۷. شرح حال‌های خودنوشت در خاندان صدر؛ ۸. تراث خاندان صدر (۲ ج)؛ ۹. خاندان‌نگاری آل صدر؛ ۱۰. خاندان صدر (تاریخ، جغرافیا، مشاهیر)؛ ۱۱. سید جمال‌الدین شهید؛ ۱۲. یادنامه آیت‌الله سیدحسین خادمی؛ ۱۳. یادنامه آیت‌الله سیدمرتضی مستجابی؛ ۱۴. امام موسی صدوری که من شناختم؛ ۱۵. قصه راز نی؛ ۱۶. سفر اسارت؛ ۱۷. فریاد در خاموشی؛ ۱۸. قلم دل (۲ ج)؛ ۱۹. کتاب سال راز نی (۳ ج)؛ ۲۰. ترجمه جمال.

آن مرحوم روز دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ شمسی (۴ ربیع‌الأول ۱۴۴۸ ق) در ۶۲ سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله موسوی در قبرستان امامزاده علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

